

طراحی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش فنی و حرفه‌ای بر اساس مطالعه تطبیقی

دکتر محمدحسن میرزا محمدی^۱

چکیده

مقاله پیش‌رو با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و به روش «پیمایشی» انجام گرفته است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از مصاحبه سازمان‌یافته، استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه معلمان هنر هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش شهر تهران و متخصصان آموزش هنر در سطح دانشگاه‌های شهر تهران بوده است. برای تحلیل داده‌های تحقیق از روش تحلیل کیفی استفاده شده است. یافته تحقیق، الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است که شامل مبانی، اصول، اهداف، رویکردها، روش‌ها و نشانگرها است.

واژگان کلیدی: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، قابلیت هنری، آموزش فنی و حرفه‌ای، الگو، نشانگر، تطبیق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آموزش هنر از دیرباز مورد توجه مربیان و اندیشمندان تعلیم و تربیت واقع شده است "به گونه‌ای که برخی از آنان یکی از پایه‌های نظام تربیتی خود را هنر قرار داده‌اند" (میرزاحمدی، ۱۳۸۳: ۲۰۶). این نوع آموزش به ایجاد توانایی‌های فراوان در شاگردان منجر می‌شود که از جمله مهم‌ترین آنها، زمینه‌سازی برای پرورش خلاقیت، تخیل، نبوغ و نوآوری است (آیزنر^۱، ۱۹۹۴). در برنامه‌های آموزش هنر، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی موضوعی چالش‌برانگیز است که با دشواری‌های خاص خود همراه است. از جمله این دشواری‌ها می‌توان به "قابل پیش‌بینی نبودن پیامد فعالیت هنری و متکی بودن قضاوت هنری به نظر قضاوت‌کنندگان اشاره کرد." (براون^۲، ۲۰۰۱؛ هانلی^۳، ۲۰۰۳: ۳۳)

ارزشیابی قابلیت‌های هنری شاگردان باید فراتر از اندازه‌گیری و سطح‌بندی آنان و متمرکز بر یادگیری انجام گیرد و از نتایج آن در بهبود یادگیری شاگردان استفاده شود". از طریق ارزشیابی قابلیت‌های هنری، شاگردان باید فرصت بهبود یادگیری خود را به دست آورند و این عمل باید از طریق مشارکت آنان در ارزشیابی خودشان صورت بگیرد" (استوکروکی^۴، ۲۰۰۵: ۱۸). آزمون‌های موجود که به آزمون‌های مداد - کاغذی نیز معروف هستند، توانایی سنجش قابلیت‌های هنری را ندارند و در این زمینه نیاز به شقوق جدیدی از ابزارها و راهبردها وجود دارد (مادجا^۵، ۲۰۰۴: ۸-۱۱). ضرورت این امر با نظر به این نکته بیشتر است که هنر وابسته به فرهنگ اجتماعی است و در ارزشیابی آموخته‌های هنری باید تفاوت‌های فرهنگی، فلسفی، نظریه‌های تاریخی را که در تمایلات شاگردان تجلی پیدا می‌کند، در نظر گرفته شود. بنابراین در فرایند ارزشیابی فعالیت‌های هنری شاگردان، علاوه بر ویژگی‌های ظاهری کار هنری، باید نسبت به سنجش تفکر، عقاید، و انگیزه‌های آنان در انجام آن کار نیز اقدام شود (کاناتلا^۶، ۲۰۰۱).

1. Eisner.E
2. Brown.M
3. Honlly.B
4. Stokrocki.M
5. Madeja.S
6. Cannatella.H

"سنجش قابلیت‌های هنری باید بر این فرض متکی باشد که پیامد فعالیت هنری خلق یک شگفتی است، پاسخ ویژه به یک موقعیت خاص است، تمامیت آن مورد نظر است، قضاوت در مورد آن مطلق نمی‌باشد. بنابر این در ارزشیابی کار هنری نباید منحصرأً به حاصل کار توجه کرد بلکه توجه به مولفه‌های فرایند یادگیری مانند کیفیت درگیری با تکالیف و فعالیت‌ها، تمایل کاوش هر چه بیشتر، تمایل به پذیرش خطر و حتی شکست نیز باید در کانون توجه باشد." (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۵)

وجود دشواری‌های فوق دست‌اندرکاران نظام آموزشی را وامی‌دارد که در این خصوص جدیت بیشتری داشته باشند. چنانچه به مقوله ارزشیابی از عملکرد دانش‌آموزان بی‌توجهی شود یا سیاست‌های معقول و هوشمندانه در این زمینه اتخاذ نشود، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان از جمله عواملی هستند که در حذف تدریجی هنر از دستور کار نظام آموزشی یا به حاشیه راندن آن نقش ایفا کرده‌اند. (مهر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۴)

مطالعات نشان می‌دهد که حساسیت در ارزشیابی قابلیت‌های هنری شاگردان، به‌عنوان یکی از مسائل مهم نظام‌های آموزشی مطرح و در این زمینه اقدامات مهمی انجام شده است:

در امریکا، "انجمن ملی آموزش هنر"^۱، اهداف و استانداردهایی را در زمینه تربیت هنری پیشنهاد کرده است. "این اهداف و استانداردها دامنه وسیعی از یادگیری‌های شاگردان، توانمندی‌های معلمان و چگونگی ارزشیابی شاگردان را دربرمی‌گیرد" (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۸). این انجمن براساس استانداردهای انجمن ملی آموزش هنر، به ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شاگردان و کار معلمان می‌پردازد (استوکروکی، ۲۰۰۵). تلاش‌های فوق، به‌طور عمده متأثر از فعالیت‌های "تایلر"^۲ در برنامه "سنجش ملی پیشرفت آموزشی"^۳ در امریکا است (آیزنر، ۱۹۹۹). اگر چه تأکید این فعالیت‌ها بر استاندارد و آزمون، به اعتقاد برخی زنگ خطری را برای ارزشیابی امریکا به صدا درآورده است (کالول^۴، ۲۰۰۳: ۱۰). همچنین باید به پروژه "ایالتی

-
1. National Art Education Association (NAEA)
 2. Tyler.R
 3. The National Assessment of Educational Progress (NAEP)
 4. Colwell. R

مشارکتی برای سنجش و استانداردهای شاگردان^۱ در هنر اشاره کرد. این پروژه در سال ۱۹۹۳ آغاز شده است. در آن زمان ۲۹ ایالت درگیر این پروژه بوده و هر یک از آنها با یک مشاور موضوعی و یک مشاور در حوزه سنجش برای مشارکت هر چه بیشتر در این پروژه حضور داشتند (شولر^۲، ۱۹۹۸). در اهداف آموزش و پرورش ایالات متحده بعد از دهه ۹۰، به هنر و ارزشیابی آن (به‌ویژه استفاده از ابزارهای متنوع در سنجش توانمندی‌های شاگردان) توجه ویژه‌ای معطوف شده است. یکی از زمینه‌هایی که در ارزشیابی آموزش هنر در آمریکا مورد توجه فراوان قرار گرفته، آموزش شیوه‌های ارزشیابی در حوزه هنر به معلمان است. در سال ۱۹۹۰ "فدراسیون معلمان آمریکا"^۳، "انجمن ملی آموزش و پرورش"^۴، و "کمیسیون ملی برای سنجش در آموزش و پرورش"^۵، هفت حوزه از صلاحیت‌ها را برای تمامی معلمان اعلام کرده‌اند (کالول، ۱۹۹۸). به‌طور کلی در این برنامه تلاش بر آن بوده تا ارزشیابی به یادگیری متصل شود، از کاربرد استانداردها در ارزشیابی آموخته‌های شاگردان - به‌ویژه در هنر - کاسته شود، از ارزشیابی در بهبود یادگیری دانش‌آموزان استفاده شود و از مجموعه‌ای از ابزارها برای ارزشیابی فعالیت‌های هنری استفاده به عمل آید.

در انگلستان، ارزشیابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان بر محورهایی مانند: دادن فرصت تجربه رویکردهای مختلف هنری، آموزش مهارت‌های خلاق، معرفی آثار هنرمندان، آموزش کاربرد مواد و ابزارکار هنری، دادن قدرت ارزیابی از کار و... به دانش‌آموزان مبتنی است (ا فلند^۶، ۱۹۹۴). در انگلستان نیز مانند آمریکا، بر قابلیت معلمان در ارزشیابی کار شاگردان تأکید فراوانی می‌شود. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به حرفه‌گرایی، مالکیت و مشارکت معلم و توانایی‌های تخصصی وی در تشخیص کیفیت اثر هنری دانش‌آموز اشاره کرد. برای نیل به این قابلیت‌ها، رویه‌ای به نام Moderation تعریف شده است. در این رویه، که با هدف افزایش دقت در

1. The State Collaborative on assessment and student standards (SCASS)
2. Shuler.S
3. American Federation on Education
4. The National Education Association
5. National Council on Measurement in Education
6. Efland. A

ارزشیابی‌ها به خدمت گرفته شده است، یک فرد با بررسی آثاری که معلمان کلاس آن را ارزشیابی کرده‌اند، به جرح و تعدیل احتمالی نمرات می‌پردازد. در این کشور در جریان ارزشیابی به فرایند نیز توجه ویژه صورت می‌گیرد. ارزشیابی بر اساس کلکسیون فعالیت‌های دانش‌آموزان یا همان کارنما (پورت فولیو)^۱ انجام می‌گیرد که در بردارنده تاریخچه فعالیت‌های آنها است. (مهر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۴۳)

در هلند، در ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان، تکیه اصلی بر استفاده از داوران بیرونی است. یک یا دو نفر از معلمان سایر مدارس نیز به‌طور مستقل به ارزیابی اثر هنری می‌پردازند و میانگین نمرات دو یا سه نفر، به‌عنوان ارزشیابی اثر، استفاده می‌شود. استانداردها، ملاک‌ها و معیارهای ارزشیابی از اثر هنری در این کشور متناسب با برنامه‌های درسی ملی هنر می‌باشد. در هلند نیز مانند انگلستان، در جریان ارزشیابی به فرایند توجه ویژه‌ای می‌شود و بر ارزیابی مجموعه فعالیت‌های دانش‌آموزان تأکید دارد. ارزشیابی در این زمینه به‌طور طبیعی از نوع معیار - مرجع است. در هلند از مقیاس ۱۰ درجه‌ای استفاده می‌شود که ۵/۵، حداقل امتیاز قبولی در نظر گرفته شده است. (پیشین: ۱۴۵-۱۴۳)

در کانادا، سنجش توانمندی‌های هنری دانش‌آموزان از طریق ابزارهای مختلفی انجام می‌شود که از جمله آنها می‌توان به «برنامه نشانگرهای پیشرفت مدارس»^۲ اشاره کرد. اخیراً تلاش‌هایی برای تدوین آزمون‌های هنر در کانادا صورت گرفته است. مثلاً می‌توان به «برنامه سنجش هنر و موسیقی در ایالت مانیتو با برای سطح ۵»^۳، «آزمون تشخیص موسیقی در ایالت آلبرتا»^۴ و «سنجش در هنرها: مطالعه در سراسر کانادا»^۵ اشاره کرد. همچنین پروژه دیگری به نام «ارزشیابی هنر» توسط تیم ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش بریتیش کلمبیا با هدف بررسی مباحث، چارچوب‌ها و راهبردهای ارزشیابی انجام شده است.^۶ به‌طور کلی در ارزشیابی آموخته‌های هنری دانش‌آموزان

1. Portfolio
2. School Achievement Indicators Program (SAIP)
3. Manitoba Art & Music Assessment Program for Grade Five Students
4. Alberta Music Diagnostic Test
5. Assessment in the Arts: A Cross Canada Study.

کانادایی، مواردی مانند آموزش هنری با کیفیت، استخدام معلمان با صلاحیت در رشته‌های هنری، تدارک مقیاس‌های متنوع و جدید برای ارزشیابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان و... در اولویت قرار دارد." (هانلی، ۲۰۰۳: ۳۷)

در ایران، دروس ارائه شده در رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌طور کلی به سه دسته نظری، عملی و عملی تقسیم می‌شوند. در دروس نظری نحوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در قالب: پرسش‌های کلاسی، کار پژوهشی و امتحان پایان ترم انجام می‌شود. در دروس نظری - عملی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به دو صورت انفرادی و جمعی انجام شده و نمرات حاصل از آن با هم جمع و بر دو تقسیم می‌شوند. در دروس عملی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دربرگیرنده طیف وسیعی از ابزارهای ارزشیابی مانند قضاوت تخصصی (ژورژمان)، پوشه کار (پورت فولیو) و... است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۴). به‌طور کلی در نظام ارزشیابی یادشده به‌گونه‌ای در انواع ارزشیابی آموزشی استفاده می‌شود و این زمینه‌ها جزء نقاط مثبت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر است. اما شواهد نشان می‌دهد وضعیت یادشده به‌طور کامل رضایت‌بخش نیست؛ توجه عمده در ارزشیابی این حوزه معطوف به حوزه شناختی بوده و قابلیت‌های دیگر شاگردان از جمله قابلیت عاطفی - احساسی در حاشیه گذاره شده است، معلمان توانایی‌های لازم برای ارزشیابی قابلیت‌های گوناگون شاگردان در رشته‌های هنری را ندارند و پیوند لازم میان برنامه درسی، تدریس و یادگیری و ارزشیابی و آزمون در این حوزه کمتر مشاهده می‌شود، همچنین سلیقه‌ای بودن و اعمال نظر شخصی معلمان در ارزشیابی مشکل دیگری است که در این حوزه وجود دارد. (آزاد و همکاران، ۱۳۸۶)

با توجه به مطالب پیش گفته، تحقیق حاضر به منظور پاسخ به سؤال‌ها پژوهشی که ادامه می‌آیند انجام شده است:

۱. الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چگونه تدوین می‌شود؟

۲. نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر

- آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بُعد شناختی چه هستند؟
۳. نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد عاطفی چه هستند؟
۴. نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بُعد مهارتی چه هستند؟

روش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است. روش مورد استفاده در این تحقیق «پیمایشی^۱» است. بر این اساس، برای تدوین الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش فنی و حرفه‌ای و نشانگرهای آن، دو مرحله مستقل به شرح زیر انجام شده است:

الف) مرحله طراحی الگو که خود شامل مراحل فرعی زیر بوده است. ابتدا از طریق مطالعات نظری، وضعیت ارزشیابی آموزش هنر به‌طور کلی و در کشورهای مورد مطالعه به تفصیل بررسی شده است. در مرحله بعد، از طریق مطالعه اسناد و مدارک موجود و مصاحبه با دست‌اندرکاران دفتر برنامه‌ریزی درسی آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش وضعیت ارزشیابی آموزش هنر در این رشته‌ها بررسی شد. در مرحله بعد، الگوهای ارزشیابی آموزشی به‌طور کلی و در حوزه آموزش هنر به‌طور خاص بررسی شد. در مرحله بعد، مؤلفه‌های الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های هنر آموزش فنی و حرفه‌ای شامل: مبانی، اصول، اهداف، رویکردها و روش‌ها با استفاده از مطالعات نظری تدوین شد. در مرحله بعد، محتوی مؤلفه‌های الگوی یادشده با استفاده از مطالعات نظری کامل شد. در مرحله بعد، نشانگرهای مناسب برای ارزشیابی قابلیت‌های دانش‌آموزان رشته‌های هنر آموزش فنی و حرفه‌ای در سه بُعد شناختی، عاطفی و مهارتی با استفاده از مطالعات نظری در حوزه آموزش هنر تدوین شد.

ب) مرحله اعتباریابی الگو

در این مرحله مؤلفه‌های الگوی تدوین شده برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش فنی و حرفه‌ای و نشانگرهای آن با استفاده از نظرات معلمان هنر و متخصصان آموزش هنر مورد اعتباریابی قرار گرفت. داده‌های مبتنی بر بنیادها و مبانی نظری الگوهای ارزشیابی آموزش هنر و وضعیت موجود آن در کشورهای مورد مطالعه و ایران که از طریق مطالعه ادبیات ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تجارب سایر نظام‌های آموزشی و اسناد و مدارک موجود در خصوص چگونگی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور حاصل شد. سپس داده‌های مبتنی بر نظرات معلمان و متخصصان آموزش هنر .

برای گردآوری داده‌های تحقیق حاضر، از ابزار «مصاحبه سازمان‌یافته» استفاده شد.

پس از اینکه الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نشانگرهای آن در سه بُعد شناختی، عاطفی و مهارتی تدوین شد، الگوی مزبور و نشانگرهای آن در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و در جلسه مصاحبه نظرات آنان در این خصوص جمع‌آوری گردید. برای تعداد محدودی از جامعه آماری (۴ نفر) که به دلایلی (از جمله کمبود وقت ایشان) مصاحبه نشد، الگو و نشانگرهای ارزشیابی ارسال و نظرات ایشان به صورت کتبی دریافت شد.

با توجه به نوع داده‌های تحقیق و شیوه جمع‌آوری آنها، جامعه تحقیق حاضر، شامل موارد زیر بوده‌اند:

۱. کلیه منابع مربوط به الگوهای ارزشیابی آموزش هنر و تجارب داخلی و خارجی در این زمینه در قالب کتاب‌ها، نشریات علمی، پایگاه‌های اطلاعاتی و ... با توجه به اهداف و سؤال‌های تحقیق به صورت «هدف‌مند» نمونه‌گیری شدند.
۲. کلیه معلمان آموزش هنر، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش سطح شهر تهران که تعداد آنان ۳۰ نفر بوده و با همگی آنها مصاحبه شد.
۳. متخصصان آموزش هنر در سطح دانشگاه‌ها که در رشته‌های فلسفه تعلیم و تربیت

(۴ نفر)، برنامه‌ریزی درسی (۴ نفر) و آموزش هنر (۳ نفر) انتخاب و با ایشان مصاحبه شد. با انفر از این افراد مصاحبه نشد و در نهایت از جمع افراد حذف شد.

(د) کارشناسان آموزش هنر در دفتر تألیف کتب درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (۳ نفر)، پژوهشگاه آموزش و پرورش (۱ نفر) و مدیر برنامه درسی هنر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که نفر آخر فرصت انجام مصاحبه را نداشته و از جمع افراد حذف شد.

با توجه به نوع داده‌های گردآوری شده، برای تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از روش‌های تحلیل کیفی استفاده شد. بر این اساس داده‌های حاصل از مطالعات نظری و نظرات معلمان، متخصصان و کارشناسان استخراج، احصاء و طبقه‌بندی شده و بر اساس سؤال‌های تحقیق، تفسیر و نتیجه‌گیری‌های لازم از آنها به عمل آمد. برخی نظرات که به‌طور مستقیم در قالب سؤال‌های تحقیق قابل بررسی نبود، به صورت کلی مورد تحلیل گرفتند.

یافته‌ها

سؤال اول تحقیق: الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چگونه تدوین می‌شود؟

با توجه به ادبیات و پیشینه موجود درباره ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر و وضعیت موجود ارزشیابی پیشرفت تحصیلی این رشته‌ها، الگوی مناسب ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نشانگرهای آن تدوین و پس از اعمال نظرات اصلاحی مصاحبه‌شوندگان، با نظر به مؤلفه‌های که در ادامه آمده است، ارائه می‌شود:

الف) مبنای فلسفی: در این مبنای می‌توان از ابعاد انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی بحث به میان آورد که در اینجا به فراخور بحث بر بُعد انسان‌شناختی تأکید می‌شود. آموزش هنر موجب "تنوع و عمق‌بخشیدن به کسب معنا از سوی انسان در سراسر زندگی" می‌شود (مهر محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷). بر این اساس، در ارزشیابی

آموزش هنر، انسان (شاگرد) جایگاه ویژه‌ای دارد. با توجه به این نکته، الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با در نظر گرفتن تمامیت وجود شاگرد، نگاهی همه جانبه به سنجش قابلیت‌های وی دارد. بر این اساس زمینه‌های مختلف دانش و یادگیری شاگرد را که شامل جنبه‌های عینی (رفتارها) و ضمنی (نگرش‌ها) است، مدنظر قرار می‌دهد. این فرایند، به قدرت شاگرد برای مدیریت بر خود اعتقاد دارد و بر انتخاب انسان احترام می‌گذارد. با در نظر گرفتن موارد فوق، بایستی توجه کرد که در فلسفه تربیتی اسلام نیز ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شاگردان بر همین مبنا انجام می‌گیرد به ویژه اینکه تعریف انسان در نظام تربیتی اسلام با آنچه در این مبنا آمده همخوانی دارد. بنابراین این الگو از نظر این مبنا می‌تواند به طور کامل بومی شود.

ب) مبنای علمی: "یکی از شروط اساسی توفیق در آموزش هنر، ابتدای آن به نظریه‌های علمی است. در این میان نظریه‌های روان‌شناختی و به ویژه نظریه‌هایی که به دنبال کشف قواعد یا مراحل عام تحول هستند اهمیت فراوانی دارد" (پیشین، ص ۷۴). پیام این مبنا برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی قابلیت‌های شاگردان رشته‌های هنر، توجه به سنجش آن قابلیت‌ها با توجه به مراحل تحویل قابلیت‌های زیبا شناختی است. با توجه به مبانی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اصول زیر بر این فرایند حاکم است:

الف) ارزشیابی همه جوانب وجودی شاگرد: در الگوی حاضر ابعاد مختلف دانشی، نگرشی (به ویژه تخیل) و مهارتی (به ویژه خلاقیت هنری) مورد نظر قرار گرفته و در ارزشیابی لحاظ می‌شوند.

ب) پیوستگی برنامه درسی، تدریس - یادگیری و سنجش: در الگوی حاضر کل فرایند یادگیری به صورت بهم پیوسته (نه جدای از یکدیگر) ارزشیابی می‌شود.

ج) فرایندمداری: با تغییر تدریجی رویکرد یادگیری از رفتاری به شناختی و با نظر به ماهیت ویژه قابلیت‌های هنری که ویژگی فرایندی دارند، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی نیز در این بخش به صورت مستمر اجرا می‌شود و به فرایند یادگیری معطوف می‌شود.

د) تنوع و روش‌ها و ابزارهای ارزشیابی: در الگوی حاضر، اصل بر استفاده متنوع و متکثر از روش‌ها و ابزارهای ارزشیابی است نه یک روش با یک ابزار. مجموعه‌ای از این روش‌ها در ادامه معرفی شده‌اند.

ه) مداومت: در این الگو ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در این رشته‌ها به تبعیت از یادگیری، فرایندی مداوم و همیشگی است.

و) عینیت: قابلیت‌های هنری شاگردان در الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی پیشنهادی لازم است تا جایی که ممکن است به صورت عینی و قابل اندازه‌گیری تعریف شود. این اصل به‌ویژه درباره مهارت‌ها مصداق بیشتری دارد. بر این اساس قابلیت‌های شاگردان به صورت نشانگر در بخش پایانی الگو تعریف شده است.

بر اساس مبانی و اصول ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، می‌توان گفت: "داشتن اهداف تصریح شده، شفاف و عینی و استفاده از شیوه‌های آزموده‌شده (فن‌شناختی) برای تحقق آن اهداف یگانه طریق رویارویی عاقلانه و هوشمندانه با اموری که انسان با آنها سر و کار پیدا می‌کند نیست" (پیشین، ص ۶۲). بر اساس این مراتب، اهداف زیر را می‌توان در الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های هنر آموزش فنی و حرفه‌ای تعریف کرد:

الف) بهبود مداوم فرایند یاددهی و یادگیری،

ب) تلاش برای مشخص کردن قابلیت‌های هنری شاگردان در ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی،

ج) ایجاد زمینه‌های لازم برای استفاده از ابزارهای گوناگون در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های هنر.

به طور کلی سه رویکرد در ارزشیابی آموزشی قابل توضیح است:

الف) رویکرد عینیت‌گرا: بر اساس این رویکرد، آنچه در قابلیت‌های دانش‌آموزان مهم است، رفتارهای عینی آنان است و تلاش ارزشیاب باید متوجه آن باشد تا ملاک‌های ارزیابی را هرچه بیشتر به صورت عینی درآورد. نمره، مهم‌ترین شاخص ارزیابی عملکرد شاگردان در این رویکرد است.

ب) رویکرد ذهنیت‌گرا: در این رویکرد، توجه اصلی به زمینه‌های درونی و غیرمحسوس وجودی شاگردان می‌باشد در این رویکرد به جای نمره و کمیّت، بر قضاوت و شهود ارزشیاب در سنجش قابلیت‌های شاگردان تأکید می‌شود.

ج) رویکرد ترکیبی: که در این رویکرد، از هر دو رویکرد فوق، متناسب با زمینه مورد ارزشیابی و توانمندی‌های شاگردان استفاده می‌شود.

با توجه به مراتب فوق می‌توان نتیجه گرفت که در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، این رویکرد بیشتر مورد توجه است به گونه‌ای که رفتارهای مشاهده‌پذیر شاگردان به ویژه در حیطه روانی - حرکتی مد نظر قرارگیرد اما از ارزشیابی سایر توانایی‌های آنان به ویژه در حیطه عاطفی و شناختی غفلت نشود.

روش

با توجه به آنچه در مؤلفه‌های قبلی الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه شد، روش‌های زیر برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در این رشته‌ها در آن دانشگاه پیشنهاد می‌شود. لازم به ذکر است که توضیح این روش در فصل دوم آمده است:

الف) ارزشیابی از طریق پوشه کار (پورت فولیو)

ب) ارزشیابی از طریق قضاوت‌های تخصصی (ژورژمان)

ج) خود - ارزشیابی

د) آزمون‌های عملکردی

ه) آزمون‌های مداد کاغذی

در ادامه الگوی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت تصویر ارائه می‌شود:



پس از شرح مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده الگو، به بیان نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش فنی و حرفه‌ای در قالب سؤال‌های دوم تا چهارم تحقیق پرداخته می‌شود. در واقع، نشانگرهای مزبور از مجموعه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده الگو حاصل شده‌اند، به این معنا که تلاش شده است تا تصویری از مبانی، اصول، اهداف، رویکردها و روش‌ها باشند. این امر در تقسیم‌بندی نشانگرها به حیطه‌های سه‌گانه یادگیری و عبارات به کار رفته در هر یک از آنان به خوبی روشن است.

سؤال دوم تحقیق: نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های

گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بُعد شناختی چه هستند؟

- آمادگی برای پاسخگویی به پرسش‌های کتبی و شفاهی،
 - توانایی ارزیابی از کار خود (خود - ارزیابی)،
 - توانایی ارزیابی از کار دیگر شاگردان،
 - توانایی پیدا کردن راه‌حل برای مسائل رشته خویش،
 - توانایی درک روابط میان عناصر یک اثر هنری،
 - توانایی شناخت جلوه‌های هنری در طبیعت،
 - توانایی ایجاد و پرورش ایده هنری،
 - شناخت هنرمندان بزرگ و آثار آنان در رشته خویش،
 - توانایی پردازش اطلاعات در رشته هنری خود،
 - آگاهی نسبت به انواع سبک‌های هنری،
 - شناخت تاریخ تحولات هنری در رشته خود،
 - شناخت و پیش‌بینی روندهای آینده در رشته خود،
 - شناخت ابعاد اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و... در رشته خود.
- سؤال سوم تحقیق: نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد عاطفی چه هستند؟
- پشتکار، صبر و حوصله در کار هنری،
 - علاقه و انگیزه در کار هنری،
 - نظم و دقت در کار هنری،
 - لذت‌بردن از یادگیری در هنر و به‌وسیله هنر،
 - توجه به خلاقیت و توسعه تخیل در کار هنری،
 - توسعه فضایل انسانی و اخلاقی از طریق کار هنری،
 - امنیت عاطفی در بیان ایده و بروز خلاقیت ذهنی،
 - ارج‌گذاری به میراث تمدنی و فرهنگی سرزمین خود،
 - کمال‌جویی و ممارست در شناخت و تولید اثر هنری.
- سؤال چهارم تحقیق: نشانگرهای ارزشیابی قابلیت‌های هنری دانش‌آموزان رشته‌های

گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بعد مهارتی چه هستند؟

- مشارکت در کار گروهی هنری،
- ارائه کامل آثار علمی در کار هنری،
- استفاده مناسب از ابزار هنری،
- توانایی کاربرد دقیق، ظریف و سریع حواس در کار هنری،
- جستجو و ارائه روش‌های گوناگون و مناسب برای اجرای کار عملی (خلاقیت)،
- توانایی سرپرستی کار گروهی و گروه‌های هنری،
- توانایی ارائه یک اثر هنری بدون نیاز به کمک معلم (به صورت مستقل)،
- ارائه نمونه‌هایی از بهترین کارها که نشان‌دهنده رسیدن به مهارت در موضوع هنری باشد.
- توانایی استفاده از فناوری در کار هنری.

نتیجه‌گیری

مروری بر ادبیات، تحقیقات و مطالعات انجام گرفته درباره ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شاگردان در رشته‌های هنر در سطح داخلی و خارجی نشان‌دهنده کاربرد روش‌ها و ابزارهای متنوع و مختلفی در سنجش این حوزه می‌باشد. مجموعه مفاهیم، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های مورد استفاده در ارزشیابی آموزش هنر به‌طور روزافزونی رو به گسترش است و نظام‌های آموزشی مختلف، بخش قابل توجهی از انرژی و منابع خویش را صرف مطالعه و پژوهش در این حوزه کرده‌اند.

از سال ۱۹۶۷ که اسکریون^۱ برای اولین بار از ارزشیابی مستمر بحث به میان آورد، این نوع ارزشیابی در سنجش قابلیت‌های شاگردان به‌ویژه در هنر، مورد استفاده قرار گرفته است (فیتز پاتریک^۲ و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۴). ارزشیابی مستمر با داشتن ویژگی پیاپی و گستردگی، تصویری کامل از تمامیت شخصیت شاگرد ارائه می‌دهد. امروزه این

1. Scriven. M
2. Fitzpatrick. J

شیوهٔ سنجش که تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را مبنا قرار داده و به قابلیت رشد هر فرد توجه می‌کند، مورد توجه روزافزون نظام‌های آموزشی قرار گرفته (نیکل^۱ و دیک^۲، ۲۰۰۴) و روش‌های مختلفی برای آن تعریف شده که از جملهٔ آنها پورت فولیو می‌باشد. (جورج^۳ و کوان^۴، ۱۹۹۹)

پوشه کار (پورت فولیو) که از دنیای هنر وارد ارزشیابی پیشرفت تحصیلی شده (سیف، ۱۳۸۲: ۲۵۳) امروزه به‌عنوان یکی از مؤثرترین روش‌های ارزشیابی فرایندها و آثار هنری شاگردان مورد استفاده قرار می‌گیرد (فراهانی، ۱۳۸۲: ۱۱۲) تا جایی که در سال‌های اخیر با استفاده از فناوری‌های جدید، بحث از پورت فولیوی الکترونیکی در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی هنر به میان آمده و برای آن مدل‌هایی نیز تعریف شده است. (مادجا، ۲۰۰۴: ۱۱-۸)

مروری بر وضعیت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در برنامه‌های آموزشی هنر در سطح جهان نشان می‌دهد که در چند سال اخیر تغییر رویه بسیار سریعی از الگوهای کمی به الگوهای کیفی صورت پذیرفته است. این تغییرات در روش شناسی، عمل و سیاست آموزش هنری، ترکیب الگوهای کمی و کیفی ارزشیابی قابلیت‌های هنری، دوری از تأکید افراطی بر استانداردها در ارزشیابی فعالیت‌های هنری، و تأکید بر اهمیت قضاوت معلمان در خصوص عملکرد دانش‌آموزان در حوزه تربیت هنری بوده است.

با توجه به مراتب فوق، می‌توان گفت با وجود این که امروزه برای ارزشیابی قابلیت‌های هنری شاگردان از ابزارها و روش‌های متنوع و فراوانی استفاده می‌شود، اما همچنان این مسئله مورد بحث است که الگوی ارزشیابی مناسب برای ارزشیابی در آموزش هنر کدام است؟ بررسی وضعیت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در رشته‌های هنری در سایر کشورها (کشورهای مورد مطالعه) نیز نشان می‌دهد که به‌رغم توجه بسیار نظام آموزشی این کشورها به مقوله ارزشیابی آموزش هنر و تدوین روش‌ها، ابزارها و سازوکارهای فراوان و متنوع این زمینه و استفاده مناسب از آنها، همچنان این

1. Nikol.D
2. Dick.K
3. Georg.J
4. Cowan.J

مسئله باقی است که الگو یا الگوهای مشخصی برای ارزشیابی آموزش هنر به‌طور خاص تدوین نشده است.

در بخش پایانی تحقیق، پیشنهادات و محدودیت‌ها بیان می‌شوند: پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های تحقیق و نیز با استفاده از ادبیات و پیشینه گردآوری شده، پیشنهادات کاربردی برای بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) پیشنهاد اصلی، اجرایی کردن الگو و نشانگرهای پیشنهاد شده در تحقیق حاضر است. الگو و نشانگرهای پیشنهادی در حال حاضر در مرحله نظری است و دست‌اندرکاران مربوطه در نظام آموزش و پرورش باید آن را به مرحله اجرای درآورند.

ب) اجرایی کردن الگو و نشانگرهای پیشنهادی در تحقیق حاضر، نیازمند آموزش معلمان و نیز مدیران اجرایی مربوطه در سطح وزارت آموزش و پرورش است. بنابراین پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی ارزشیابی آموزشی به‌صورت کارگاهی برای معلمان برنامه‌ریزی و اجرا شود تا زمینه اجرای الگو و نشانگرهای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هموار شود.

ج) یکی از نکات مورد نظر تعداد زیادی از معلمان مصاحبه‌شونده که در پژوهش حاضر نیز ارائه شده این است که در بدو ورود از داوطلبان رشته‌های هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ارزشیابی به عمل آید و معیارهای مشخص و قابل‌قبولی برای پذیرش آنان تعریف و اجرا شود. این پیشنهاد بر این اساس ارائه می‌شود که به اعتقاد معلمان مصاحبه‌شونده، سطح علمی ورودی‌های مختلف هنری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ضعیف است.

محدودیت اصلی تحقیق حاضر به ماهیت موضوع مورد مطالعه برمی‌گردد. ورود به حوزه هنر و صحبت از الگو و نشانگر برای ارزیابی قابلیت‌های هنری، کاری بسیار مشکل و چالش‌برانگیز است. بر همین اساس در تمام مراحل پژوهش، از بخش ادبیات و پیشینه گرفته تا نظرات پاسخگویان، همواره این سؤال مطرح بوده که آیا می‌توان برای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در حوزه هنر نشانگر معرفی کرد؟ این محدودیت تا پایان تحقیق با محقق همراه بوده است.

منابع

- آزاد، ابراهیم و همکاران (۱۳۸۶). وضعیت موجود ارزشیابی رشته‌های گروه هنر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای. متن مصاحبه انجام شده در دفتر برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- امینی، محمد (۱۳۸۴). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: انتشارات آبیژ.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۳). ارزشیابی آموزشی (مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی). تهران: انتشارات سمت.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۸۴). اسناد برنامه درسی رشته صنایع دستی، طراحی و دوخت و نقاشی. دفتر برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۲). روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی. ویرایش سوم. تهران: نشر دوران.
- فراهانی، مهدی (۱۳۸۳). مقدمه بر ارزشیابی کیفی آموخته‌های فراگیران با تأکید بر سنجش عملکرد (ارزشیابی پرونده‌ای). تهران: انتشارات موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۴). آموزش عمومی هنر: چیستی، چرایی، چگونه‌گی. تهران: انتشارات مدرسه.
- میرزاحمدی، محمدحسین (۱۳۸۳). بررسی مقایسه‌ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی. نشریه علمی - پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سوم، شماره ۲، صص ۲۰۱-۲۲۵.

- Brown, N. C. M. (2001) "**The Imputation of Authenticity in the Assessment of Student Performances in Art**", Educational Philosophy and Theory, Vol. 33, No. 3 & 4 (305-322).
- Cannatella, H. (2001) "**Art Assessment, "Assessment & Evaluation in Higher Education**", Vol. 26, No. 4 (319-326).
- Colwell, R. (2003) "**The Status of Art Assessment: Examples for Music**", Arts Education Policy Review, Vol. 105, No. 2, (11-18).
- Colwell, R. (1998) "**Preparing Student Teachers in Assessment**", Arts Education Policy Review, Vol. 99, issue 4.
- Eisner, E. (1999) "**The National Assessment in Visual Arts**", Arts Education Policy Review, Vol. 100, issue 6.
- Eisner, E. (1994) **Educational Imagination**, Stanford University Press.
- Efland, A. (1994) Art Educational Programs, In the Arch. L (editor) Encyclopedia of Curriculum, Pergamon Press.
- Fitzpatrick, J. L. Worthen, B. R. & Sanders J. R. (2004) Program Evaluation: **Alternative Approaches and Practical Guidelines** (Third Edition). New York: Longman
- George. J and Cowan. J (1999) **A Handbook of Techniques for Formative Evaluation (Mapping the Student's Learning Experience)**. Kogan page.
- Honlley. B. (2003) "**Policy in Arts Assessment in Canada: Lets Get Real**", Arts Education Policy Review, Vol. 105, No. I, (33-38).
- Madeja. S. (2004) "**Alternative Assessment Strategies for Schools**", Arts Education Policy Review, Vol. 105, No. 5 (3-13).
- Nicol, D. and Dick, K. (2004) **Rethinking Formative Evaluation Assessment in H. E: A Theoretical Model and Seven Principles of Good Practice**. The Higher Education Academy Generic Center.
- Shuler, S (1998) "**The Evolution of State Art Assessment: from Sisyphus to Stone Soup**", Arts Education Policy Review, Vol. 100, issue 1.
- Strokrocki, M. (2005) "**Reconsidering Evryday Assessment in the Art Classroom: Ceramics and Science**", Arts Education Policy Review, Vol. 107, No.1, (15-21).